

تحلیل و بررسی روش‌های وحیانی، برهانی و عرفانی در اثبات مسئله نظام احسن، از منظر آیت‌الله جوادی آملی

مسلم محمدی*
روح‌الله شاکری**
محمدجواد حسن‌زاده مشکانی***

چکیده

«نظام احسن» به معنای بهترین و کامل‌ترین نظام خلقت، یکی از مباحث مهم کلامی، عرفانی و قرآنی است که در دستگاه فکری آیت‌الله جوادی آملی، جایگاه ویژه‌ای دارد. آیت‌الله جوادی آملی بر این باورند که محال است خداوند احسن‌الخالقین، به خلقت جهانی دست بزند که دارای عیب و نقص است. ایشان برای اثبات نظام احسن، در سه حوزه «وحیانی»، «برهانی» و «عرفانی» از «روش لمی» استفاده کرده‌اند. مسئله اصلی این تحقیق، بررسی اندیشه استاد جوادی در سه حوزه مزبور است که با روش تحقیق، گردآوری داده‌ها، مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل انتقادی مطالب بر اساس منابع موجود در آثار استاد جوادی آملی انجام شده است. یافته‌های این تحقیق در روش «وحیانی»، اثبات مسئله نظام احسن بر اساس آیات شریفه است. همچنین در روش «برهانی»، به کمک دو قانون «مطلق بودن صفات الهی» و «علیت و معلولیت»، مسئله مزبور اثبات می‌شود. و در روش «عرفانی» نیز، بررسی «حقیقت منسجم» و تحلیل «صفت رحمانیت خداوند» می‌باشد.^۱

واژگان کلیدی

نظام احسن، روش وحیانی، روش برهانی، روش عرفانی، جوادی آملی.

* دانشیار دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران و مدرس معارف اسلامی. mo.mohammadi@ut.ac.ir
** دانشیار دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران و مدرس معارف اسلامی. shaker.r@ut.ac.ir
*** دانشجوی دکتری، دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران و مدرس معارف اسلامی (نویسنده مسئول). hasanadeh14630@gmail.com

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری «بررسی تطبیقی دیدگاه جان هاسپرس و آیت‌الله جوادی آملی در مسئله شر» می‌باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

طرح مسئله

همواره مسائلی نظیر قتل‌ها، غارت‌ها، بیماری‌ها و حوادث طبیعی، از قبیل آتش‌فشان و زلزله، از دغدغه‌های موحدین عالم بوده است. اگر جهان هستی به‌شکل بهترین جهان ممکن آفریده شده است، چرا این شرور در دنیا وجود دارد؟ از طرف دیگر با پیشرفت علوم و طرح نظریه‌های گوناگون، هر روز پرده‌ای از رازهای طبیعت برداشته می‌شود و معلوم می‌گردد که نظام جهان، از نظر علوم، بسیار پیچیده و دقیق است. بنابراین، از یک‌سو، دانشمندان، خویش را با نظامی برتر رویارو می‌بینند و از سوی دیگر، وجود شرور و نقایص، شبهه برتر نبودن نظام جهان را به ذهن می‌رساند.^۱ موضوع «نظام احسن» یکی از مباحث مهمی است که به‌عنوان راهکاری برای مسئله شر مطرح می‌شود. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

ضرورت انتخاب آیت‌الله جوادی آملی از این‌رو است که ایشان، محل جمع فلسفه مشاء، اشراق و عرفان هستند. از طرفی متعلم و معلم حکمت صدرایی نیز می‌باشد. همچنین نگاه خاص تفسیری ایشان به مسئله نظام احسن و عدم ذکر آن در اثری علمی، به اهمیت این مقاله می‌افزاید.^۲

پیشینه مسئله احسن بودن جهان هستی به آغاز آن برمی‌گردد. این مسئله در طول تاریخ مورد توجه اندیشمندان اسلامی و غربی بوده است. در کلام اسلامی بدان «وجوب اصلح» و در فلسفه اسلامی «نظام احسن» می‌گویند. سیر تاریخی مسئله نظام احسن در میان فلاسفه اسلامی دارای یک آغازگر و سه دوره ممتاز از یکدیگر می‌باشد. آغازگر این مسئله فارابی در *التعلیقات* می‌باشد (فارابی، ۱۴۰۸: ۴۶) دوره اول مربوط به ابن‌سینا می‌باشد. او در بحث عنایت آنرا بسط داده است. (ابن‌سینا، ۱۳۹۲: ۱۵۷) شاید بتوان ابن‌سینا را پیشگام مسئله نظام احسن دانست که با موضوع عنایت و علم الهی تقریر جدیدی برای آن ارائه کرد. مسیر ابن‌سینا توسط بهمنیار در *التحصیل* (بهمنیار، ۱۳۴۹: ۵۷۸) ادامه پیدا کرد تا اینکه در دوره دوم شیخ اشراق در *مجموعه مصنفات* تقریر ابن‌سینا را نقد کرد و خود استدلالی دیگر برای آن مسئله آورد. (سهروردی، ۱۳۸۰: ۱ / ۴۷۲) مسئله نظام احسن سپس توسط میرداماد در *القاسبات* ادامه پیدا کرد. (میرداماد، ۱۳۵۶: ۴۲۵) تا اینکه در دوره سوم ملاصدرا از دیدگاه استاد خود ابن‌سینا، در جلد ۱۷ *اسفار* به‌طور مفصل تبیین و دفاع کرده است. او ابتدا به کلام غزالی در کیمیای سعادت پرداخته آنگاه به دو روش لمی و انی مسئله نظام احسن را تبیین کرده است. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰: ۷ / ۹۱ و ۷ / ۱۰۶) در

۱. برای جواب به چنین سؤالی بیش از پانزده راه‌حل مطرح شده است. (ر. ک: جبرئیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۷ - ۹۱)

۲. در این مقاله، با توجه به آثار متعدد استاد جوادی آملی همچون *تفسیر تسنیم*، *توحید در قرآن*، *تبیین براهین اثبات خدا*، *ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد*، *سرچشمه اندیشه*، ج ۳، *فلسفه حقوق بشر*، *مبانی اخلاق در قرآن*، *الاسلام و البیتنه* و ... ادله و مبانی روش لمی نزد آیت‌الله جوادی آملی بررسی می‌شود.

حال حاضر یکی از بهترین تبیین‌های روش «انی» در میان فلاسفه معاصر، توسط شهید مطهری در کتاب *عدل الهی*^۱ بیان شده است.^۲

اما در کلام اسلامی مسئله نظام احسن (وجوب اصلح) بعد از بحث از خدا و صفاتش موضوع افعال الهی مطرح شده است. یکی از مباحث افعال الهی مسئله «لطف» و «اصلح بودن جهان» می‌باشد. به نظر می‌رسد شروع این مسئله از معتزله بوده است. مفصل‌ترین اثر نیز کتاب *المعنی* قاضی عبدالجبار معتزلی می‌باشد.

در کتاب‌های کلامی شیعه قدیمی‌ترین اثری که به مسئله وجوب اصلح پرداخته: *الذخیره فی علم الکلام* سید مرتضی می‌باشد.^۳ همچنین مفصل‌ترین کتاب نیز *سرمایه ایمان* و *گوهر مراد* محقق لاهیجی است.

پیشینه مسئله نظام احسن در غرب از افلاطون (افلاطون، ۱۳۷۴، رقم ۳۷۹) آغاز شده است. سپس لایب‌نیتس آن را کامل کرده است. (راسل، ۱۳۷۳: ۸۰۲ - ۸۰۱؛ کاپلستون، ۱۳۸۰: ۴ / ۴۱۵؛ پلانینگا، ۱۳۷۶: ۷۸؛ رضایی، ۱۳۸۰: ۷۵ و ۱۷۸) همچنین باروخ اسپینوزا در کتاب *اخلاق* (اسپینوزا، ۱۳۶۴: ۵۱ - ۵۰) و ژال وال در کتاب *ما بعد الطبیعه*، (وال، ۱۳۷۰: ۸۱۱) به آن پرداخته‌اند. شاید بتوان ادعا کرد معروف‌ترین شخصیتی که در میان متفکران غربی به مسئله نظام احسن پرداخته است، «لایب نیتس» می‌باشد.

جنبه نوآوری این تحقیق در این نمایان می‌شود که استاد جوادی آملی بر پایه نظام فکری خود با «روشی لمی»، در سه حوزه «وحیانی»، «برهانی» و «عرفانی» به تقسیم و بررسی مسئله نظام احسن پرداخته‌اند. امری که قبل از ایشان سببه علمی نداشته است.

دیدگاه استاد جوادی آملی درباره نظام احسن

بنابر دیدگاه استاد جوادی آملی نظام آفرینش همه خیر و نیکو هستند و وجود هیچ موجودی، شر مطلق و سیئه نیست. خدای حکیم و رحمان همه مخلوقات را به مقدار لازم و با هندسه و نظم نیکو آفریده است. اندازه و نظمی که علت اصلی زیبایی و حسن شدن موجودات عالم است. ایشان می‌نویسد «هریک از حقایق هستی، در حد سعه وجودی خود از حُسن برخوردار است و همه با هم در یک نظام هماهنگ و

۱. استاد مطهری تصریح می‌کنند که «روش لمی» را مورد بحث قرار نداده و به روش‌های دیگر یعنی طریق «برهان انی» پرداخته است. (مطهری، ۱۳۷۴: ۹۰) از این رو در این مقاله روش انی مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

۲. برای مطالعه درباره دیدگاه عالمان اسلامی و غربی به کتاب *خدا و مسئله شر* اثر محمدحسن قدردان قراملکی و *کلام جدید* اثر حسن یوسفیان مراجعه کنید.

۳. همچنین در آثار زیر مسئله وجوب اصلح مطرح شده است: حمصی در *المنقذ*، تفتازانی در *شرح المقاصد*، علامه حلی در *انوار الملکوت و کشف المراد*، ماتریدی در *التوحید*، قوشچی در *شرح تجرید*، ایجی در *شرح المواقف* و غزالی در *الاقتصاد*. (ر. ک: قدردان قراملکی، ۱۳۸۸: پاورقی ص ۱۱۴)

هدفمند به سوی مقصد واحدی در حرکت‌اند؛ با این دیدگاه که از آیات متعددی به دست می‌آید، سراسر جهان آفرینش خیر و زیبا و حسنه است.^۱ (جوادی آملی، ۱۳۹۱ الف: ۱۵۹؛ همان، ۱۳۹۵: ۱۳۹۵)

استاد جوادی در سه روش «وحيانی»، «برهانی» و «عرفانی» این مسئله را تبیین کرده است.

روش وحيانی در تبیین نظام احسن

مسئله نظام احسن در بسیاری از آیات شریفه قرآن قابل استخراج است. مهم‌ترین آیاتی که برای اثبات نظام احسن آمده است^۲ بدین ذیل است:

۱. آیاتی که مدلولشان «احسن الخالقین» بودن خداوند است؛ یعنی آیه ۱۴ سوره مؤمنون و آیه ۱۲۷ صافات.^۳ استفاده از این دو آیه توسط استاد جوادی، در «تبیین دوم» آمده است. این دو آیه از مهم‌ترین آیاتی است که استاد معظم‌له در تبیین نظام احسن در حوزه انسان استفاده کرده است.
۲. آیه‌ای که سخن از «احسن تقویم بودن انسان» دارد. آیه ۴ سوره تین معروف‌ترین آن است.^۴ استعمال این آیه برای نظام هستی مورد پذیرش استاد جوادی آملی قرار نگرفته است.
۳. آیه‌ای که سخن از «احسن کل شی بودن خدا» دارد؛ یعنی آیه ۷ سوره سجده.^۵ تبیین این آیه در

۱. استاد جوادی در جایی از برهان عقلی، برای نظام احسن بودن، استفاده کرده و در جای دیگر ادعان دارند که انسان نمی‌تواند شناخت کافی از احسن یا احسن نبودن نظام هستی را پیدا کند: «انسان از ساختمان درون خود نیز بی‌خبر است، چه رسد به اینکه حقایق بیرون از خویش را تماماً دریابد. آنان که دانشمندترند، در این زمینه بیشتر اظهار ناتوانی می‌کنند، زیرا راه بیشتری را پیموده‌اند و می‌دانند که شناخت بشر و جهان تا چه اندازه دشوار است». (جوادی آملی، ۱۳۹۱ ج: ۱۰۰)

۲. تا این تاریخ یعنی شهریور ۱۴۰۱ تنها ۶۱ جلد از کتاب *تسْنیم* (سوره شعرا) چاپ شده است. از این رو دیدگاه استاد جوادی در آیاتی که هنوز به چاپ نرسیده است؛ از ذیل آیات دیگر در مجلدات چاپ شده و یا جلسات درس تفسیر ایشان استخراج شده است. همچنین برخی از براهین قرآنی در کتاب *تسْنیم* وجود نداشت و از دیگر آثار ایشان استخراج شده است.

۳. ۱. آیه ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

۲. آیه ۱۲۵ و ۱۲۶ صافات: «أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ * اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ» سوره مؤمنون در جلد ۵۸ تفسیر *تسْنیم* آمده است. همچنین سوره صافات هنوز در این کتاب به چاپ نرسیده است.

۴. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» ما انسان را در نیکوترین صورت بیافریدیم. تفسیر سوره «تین» هنوز به چاپ نرسیده است فلذا دیدگاه استاد جوادی از سایت معظم‌له برداشت شده است. (جوادی، ۱۳۹۸: جلسه ۱ (۱۳۹۸/۱۲/۲۷) و جلسه ۲ (۱۳۹۸/۱۲/۲۸))

https://esra.ir/web/javadi/%D%A%2D%AB%1D%AB%4FDBA%CD%A8%9_%D%A8AF%D%AB%1D%AA%9D%AB3_%D%AAA%D%81%9D%AB%3DBA%CD%AB1

۵ «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ». تفسیر این آیه هنوز به چاپ نرسیده است. از این رو دیدگاه استاد جوادی از ذیل آیات دیگر در مجلدات چاپ شده، استخراج شده است.

تحلیل و بررسی روش‌های وحیانی، برهانی و عرفانی در اثبات مسئله نظام احسن، ... □ ۱۶۱

«تبیین اول» استاد جوادی آمده است. می‌توان گفت این آیه بهترین آیه‌ای است که استاد معظم‌له از آن در حوزه نظام هستی، استفاده کرده است.

۴. آیه معروف به «شاکله» یعنی آیه ۸۴ اسراء که در «تبیین دوم» استاد آمده است.^۱

۵. آیه معروف به «زیباترین رنگ» یعنی آیه ۱۳۸ بقره^۲ که در «تبیین سوم» آمده است.^۳

تبیین پنج‌گانه وحیانی

استاد جوادی آملی در سه تبیین ابتدایی و تبیین پنجم مستندات قرآنی آن را نیز ذکر کرده‌اند؛ اما در تبیین چهارم بدون اینکه به آیه‌ای اشاره کنند، آنها را برداشتی از آیات شریفه دانسته‌اند.

تبیین اول

این تبیین، مطابق و برگرفته از آیه ۷ سوره سجده «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» می‌باشد. استاد جوادی آن را در سه مقدمه بیان کرده است:

مقدمه اول: هر موجودی مخلوق خداوند متعال است «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ». (زمر / ۶۲)

مقدمه دوم: آیه‌ای که دلالت^۴ بر سه نظام فاعلی، نظام داخلی و نظام غائی دارد. «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى

كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى». (طه / ۵۰)

مقدمه سوم: بر اساس قرآن کریم، آفرینش تمام مخلوق‌ها زیبا و نیکو است. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ

خَلَقَهُ» (سجده / ۷) نتیجه اینکه از نظر آیات وحیانی، همه موجودات جهان را خدا آفرید و هرچه را خدا

خلق کرد، زیبا و نیکو آفریده است؛ بنابراین همه اشیای جهان هستی به بهترین و زیباترین فرض ممکن

آفریده شده‌اند و هیچ نقص و عیبی در آنها وجود ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۴۰)

۱. «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا». تفسیر این آیه در جلد ۵۰ تسنیم صفحات ۱۷۰ تا ۲۱۰ آمده است.

۲. «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً». تفسیر این آیه در جلد ۷ تسنیم، ص ۲۵۳ آمده است.

۳. آیات دیگری نیز برای اثبات نظام احسن به کار رفته است. همچون آیه ۸۸ نمل: «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ»

(أشتیانی، ۱۳۶۰: ۳) اما کمتر کسی از این آیه برای نظام احسن استفاده کرده است. برخی آیه را به حوادث قبل از قیامت

اختصاص داده (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۵۷۵) و برخی معنای عامی از آیه که مربوط به حکمت داشتن تمام افعال الهی

است را مطرح کرده‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۱۷؛ آلوسی، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۲۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۸ / ۱۵۹؛ بحرانی،

۱۳۷۴: ۴ / ۲۳۲) لازم به ذکر است آیت‌الله جوادی از این آیه برای نظام احسن استفاده نکرده است.

۴. در متن کتاب، کلمه «ولایت» آمده است؛ اما به نظر می‌رسد کلمه «ولایت» اشکالی تاییدی از جانب ویراستار بود و کلمه «دلالت» منظور استاد بوده است.

شبهه این دیدگاه در کتاب *المیزان* نیز مشاهده می‌شود. علامه طباطبایی با انضمام آیه «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد / ۱۶ و زمر / ۶۲) به آیه «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده / ۷) می‌نویسد: «از نتیجه دو آیه مزبور چنین برداشت می‌شود که هرچه غیرخدا، نام شیء بر آن حمل شود؛ مخلوق خدا و حسن است، پس مخلوق بودن و حسن بودن تلازم در وجود دارند اما اگر زشتی یا قبحی عارض آنها شود به سبب نسبت‌ها و اضافات خارجی و ثانوی است». (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷ / ۲۹۶)

تبیین دوم

این تبیین براساس آیات «احسن الخالقین» بودن خدا و آیه «شاکله» چیده شده است. استاد جوادی در این تبیین «وجه الله» بودن مخلوق را حد وسط قرار داده است:

مقدمه اول: در آیات شریفه آمده است که خداوند احسن الخالقین است. (مؤمنون / ۱۴؛ صافات / ۱۲۵)

مقدمه دوم: تمام جهان آفرینش و هر پدیده‌ای که در آن متصور است؛ مصداق وجه الله و چهره بودن برای خداوند می‌باشند؛ «فَأَيُّمَا تَلَوُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ». (بقره / ۱۱۵)

شکل قیاس: اگر موجودی از آن جهت که چهره و مظهر خداوند است، ناقص و معیب باشد، نمی‌تواند وجه و چهره بهترین آفریننده را ارائه دهد؛ اما از آنجاکه اثبات شد خداوند احسن الخالقین است؛ نتیجه گرفته می‌شود که هیچ نقص و عیبی در موجودات وجود ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۴۵) خلاصه آنکه جهان آفرینش که مظهر خداوند باید بر شاکله او که همان احسن المخلوقات هست محقق شود. همان شاکله‌ای که اثبات می‌کند مخلوقی از این نیکوتر ممکن نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۴۲)

تبیین سوم

این بیان، بر اساس آیه ۱۳۸ بقره «صبغه الله و من احسن من الله صبغه» می‌باشد. استاد جوادی تحت عنوان «زیباترین رنگ‌آمیزی» می‌نویسد:

رنگی بهتر از رنگ الهی نیست، زیرا هیچ‌کس زیباتر از خدای سبحان رنگ‌آمیزی نمی‌کند: (صبغه الله و من احسن من الله صبغه). توضیح اینکه هرچه اطلاق شیء بر آن صادق باشد مخلوق خداست: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر / ۶۲) و آنچه را خدای سبحان آفرید نیکو آفرید: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده / ۷) پس زیباتر از نظام هستی که آفریده خداست محال است، زیرا اگر زیباتر از آن ممکن بود و خداوند آن را نمی‌آفرید، منشأ آن یا جهل یا عجز یا بخل بود و چون همه این تالی‌ها فاسد و

تحلیل و بررسی روش‌های وحیانی، برهانی و عرفانی در اثبات مسئله نظام احسن، ... □ ۱۶۳

مستحیل است مقدم آنها نیز محال است، بنابراین، آفرینش جهانی زیباتر از این، محال است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱ ب: ۷ / ۲۵۲)

تبیین چهارم

مقدمه اول: براساس قرآن،^۱ تمام موجودات جهان، از تمام حیثیت‌های ممکن همچون ذاتی و عرضی و یا مادی و مجرد نشانه‌های پروردگار می‌باشند و هیچ موجودی متصور نیست که در حیثیتی نشانه الهی نباشد. از این رو برای جهان ممکن‌الوجود چیزی غیر از نشان خدا بودن وجود ندارد.

مقدمه دوم: خداوند دارای اسمای حسنا می‌باشد. یکی از این اسمای احسن الخالق بودن است. شکل قیاس: آیت و نشانه صفت احسن‌الخالقین، قطعاً دارای صفت احسن‌المخلوقات می‌باشد. زیرا نشانه خدای احسن، فقط باید بهترین صفات را داشته باشد؛ و اگر در نشانه، نقص یا عیبی باشد نمی‌تواند آن کمال محض را نشان دهد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۴۱)

تبیین پنجم

حد وسط این برهان «وحدت فاعل» است.
مقدمه اول: جهان مخلوق خداوند است.
مقدمه دوم: خالق هستی واحد است.
شکل قیاس: اگر جهان هستی نظام احسن نباشد دلالت دارد که مبدأ و خالق غیر از خداوند وجود دارد. از آنجایی که اثبات شده است جهان هستی تنها یک خالق دارد پس نظام آن نیز احسن می‌باشد. به بیان دیگر قرآن کریم در تبیین تدبیر نظام آفرینش به یک مبدأ واحد، تأکید کرده است: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء / ۲۲) از این رو اگر این مبدأ واحد به دو یا مبدأهای کثیر تبدیل شود و بالطبع جهان امکان، با چند خدا اداره شود؛ فساد دامن‌گیر جهان هستی می‌شود. به دیگر سخن ریشه اساسی هر نظامی وحدت است. (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۸)

نتیجه تبیین‌های بالا این است که استاد جوادی درصددند تا از علت و نظام احسن ربانی، نظام معلول و احسن بودن جهان هستی را استنباط کنند. چنان که حکیم سبزواری فرموده‌اند: «فالكل من نظامه الكياني - ينشأ من نظامه الرباني» (سبزواری، ۱۴۱۷: ۳ / ۶۰۷) و در برابر مجموع آفرینش، طبق برهان لمی‌ای که اشاره شد، هر چیزی در موطن خاص خود قرار دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۲)

۱. استاد جوادی مشخص نکرده‌اند که براساس کدام آیه، تبیین فوق را آورده‌اند.

بررسی و تحلیل تبیین‌های پنج‌گانه

به یقین می‌توان گفت تبیین استاد جوادی درباره مسئله نظام احسن، کامل‌ترین تبیین است.^۱ اما در اینجا لازم است که تبیین‌های پنج‌گانه استاد جوادی بررسی و تحلیل شوند.

تبیین اول

درباره استفاده از آیه «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده / ۷) برای اثبات نظام احسن دو نکته وجود دارد:

۱. مخالفینی برای دیدگاه استاد جوادی وجود دارد.

توضیح: دو دیدگاه کلی درباره مفاد آیه مزبور وجود دارد. گروهی همچون علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۳۷۲) و به تبع ایشان استاد جوادی آن را برای نظام احسن مفید دانسته و برخی نیز آیه مزبور را مربوط به نظام احسن ندانسته‌اند. در نگاه گروه دوم آیه مربوط به وجود حکمت و مصلحت در مخلوقات الهی است. آنها بر این باورند که همه موجودات حسن و به شکل نیکو آفریده شده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۰۸؛ آلوسی، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۱۲۱) و نمی‌توان از این موضوع، احسن بودن جهان آفرینش را استفاده کرد. همچنین در روایات اهل سنت نیز این آیه به وجود صلاح و تدبیر در موجودات اشاره دارد نه احسن یا اصلح بودن آنها. (سیوطی، ۱۳۹۴: ۵ / ۱۷۲) پس در نگاه اول، تفسیر استاد جوادی مورد قبول برخی نیست.

۲. استاد جوادی در تبیین اول سه مقدمه آورده است. مقدمه اول و دوم ایشان صحیح است اما مقدمه سوم نیاز به توضیح بیشتری دارد زیرا آیه ۷ سوره سجده «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» تنها اشاره به این دارد که آفرینش همه موجودات، زیبا و نیکو می‌باشد؛ اما سؤال در این است که چگونه از نیکو و حسن بودن آفرینش، این نتیجه برداشت می‌شود که همه موجودات و اشیای جهان به زیباترین شکل یعنی به شکل احسن آفریده شده است. در اینجا نیاز به قضیه‌ای هست که ادعا را از صفت «نیکو» به صفت «نیکوترین» برساند. به نظر می‌رسد در قرآن کریم چنین تلازمی تصریح نشده است و چنین قضیه‌ای نیز وجود ندارد. (پور روستایی، ۱۳۹۲: ۱۴۰)

به بیان دیگر «حسن بودن» اعم از «احسن بودن» است؛ و ادعای استاد جوادی اعم از دلیلی است که مطرح می‌کنند؛ زیرا حسن بودن یعنی هر موجودی به هر آنچه نیازمند بوده است؛ دست‌یافته و در

۱. تحلیل‌هایی که در اینجا ذکر می‌شود براساس نسخه‌های چاپ شده یعنی جلد ۶۱ (سوره شعرا) است. از طرفی از آنجاکه هنوز چاپ کتاب تسنیم به پایان نرسیده است و استاد جوادی نیز اهتمام کافی و اشراف دقیق به مطالب قرآنی دارند؛ احتمال می‌رود در چاپ‌های جدید مطالب استاد جوادی تکمیل شود؛ بنابراین با کمال احترام برای ایشان، آنچه در تتبع به‌دست آمده، نگارش شده است.

خلقت آن نقص و کاستی وجود ندارد اما احسن بودن افعال تفضیل است و به معنای بهترین آفریده معنا می‌شود. همچنین واژه «احسن» فعل ماضی و به معنای نیکو کردن است؛ و نباید از مفاد آیه مطلبی استخراج شود که در آن وجود ندارد.

تبیین دوم

سه نکته در اینجا اهمیت دارد:^۱

۱. نکته اول تحقیق درباره این پرسش می‌باشد که آیا مفاد این آیه^۲ درباره تمام هستی است و یا تنها منحصر به خلقت انسان می‌باشد؟ در این باره سه گروه دیدگاه خود را اعلام کرده‌اند. گروه اول، آیه را مربوط به همه هستی می‌داند. (طیب، ۱۳۹۴: ۹ / ۳۶۹) گروه دوم تصریح به اطلاق یا اختصاص آن نکرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۲۰) و گروه سوم آن را مختص به انسان دانسته‌اند. استاد جوادی این اندیشه را در کتاب *تسبیح*، منحصر به نظام احسن در حوزه انسان دانسته‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۸ / ۴۸۹) اما در کتاب *سرچشمه اندیشه* آن را به همه هستی سرایت داده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۴۱) توضیح آنکه استاد جوادی با استناد به آیات دیگر قرآن، خلقت همه هستی را احسن می‌دانند اما مفاد این آیه را تنها برای احسن بودن انسان و نه همه هستی قبول دارند و دلیل ایشان این است که اگر چنین نبود و مخلوقی بهتر از انسان خلق شده بود؛ خداوند درباره او نیز چنین نازل می‌کرد. آری موجودی که مخلوق احسن الخالقین است، بهترین مخلوق خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۴ / ۴۳۰؛ همان: ۵۸ / ۴۸۹؛ همان، ۷ / ۲۵۳)

به نظر می‌رسد دیدگاه ایشان در کتاب *سرچشمه اندیشه*، (عمومیت آیه) صحیح می‌باشد زیرا ادعای انحصاریت در انسان، زمانی صحیح است که خدای متعال در این آیه در مقام مقایسه و بیان بهترین مخلوق خود باشد و چون فقط درباره انسان به خود «تبارک» گفته است پس فقط خلقت دیگر موجودات، سکوت در مقام احسن المخلوق هست و حال آنکه سکوت از کیفیت برتر بیان انواع موجودات و فضیلت آنها نیست تا چنین نتیجه‌ای گرفته شود. (پور روستایی، ۱۳۹۲: ۱۱۳) از این رو خدای متعال نه تنها در خلقت انسان بلکه در خلقت همه موجودات دقت، اتقان و احسن بودن را رعایت کرده است.

۱. لازم به ذکر است که علاوه بر تفسیر استاد جوادی آیه احسن الخالقین تفاسیر مختلف دیگری نیز دارد. به طور مثال فخر رازی آیه مزبور را به معنای اصل خلقت انسان، احکام و اتقان در ترکیب و تالیف فیزیکی انسان می‌داند. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۶۶)

۲. آیه ۱۴ تا ۱۲ سوره مؤمنون: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا الْأُنثَىٰ عُلُقَةً فَاخْلَقْنَا الْمُضْغَةَ فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» تفسیر استاد جوادی درباره آیه ۱۲۵ صافات هنوز به چاپ نرسیده است.

مضافاً اینکه استاد جوادی در تفسیر تسنیم درصدد هستند که به تبع استاد گرامی خویش جناب علامه طباطبایی، روش «تفسیر قرآن به قرآن» را به اجرا بگذارند. چنین به نظر می‌رسد ایشان از این سیره در اینجا استفاده نکرده‌اند چرا که در تفسیر آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون نظام احسن را مختص به انسان دانسته‌اند، اما در تفسیر آیه ۷ سوره سجده، نظام احسن را مربوط به همه هستی می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۴۵؛ همان، ۱۳۹۱ ب: ۷ / ۲۵۷) این‌گونه فهمیده می‌شود اجرای قاعده تخصیص و یا جلوگیری از این تخالف به کمک قرینه عقلی و روایی مناسب‌تر بود.

۲. نکته دوم این است که استاد جوادی فقره «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» را تنها به محتوای بعد از کلمه «ثم» مربوط می‌دانند یعنی خلقت ویژه انسان سبب شده تا خدای متعال در وصف خود از احسن‌الخالقین سخن بگوید. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا استاد جوادی این فقره را منحصر به انشای خاص انسان دانسته‌اند و آن را به تمام آیه سرایت نداده‌اند؟ شاهد این عمومیت، آیه ۴ سوره تین «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ» می‌باشد که استاد مدعی است خدای متعال احسن تقویم را به همه مراحل خلقتی انسان نسبت داده است.

۳. نکته سوم مربوط به آیه ۸۴ سوره اسراء «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» است. در اینجا به نظر می‌رسد جناب استاد درصدد هستند تا در تبیین دوم، یک‌مرتبه از جمع «احسن الخالقین بودن خدا» به کمک قاعده «وجه الله بودن مخلوق»^۱ به استدلال بپردازند و مرتبه دوم از جمع «احسن الخالقین بودن خدا» به کمک قاعده «تطابق شاکله مخلوق با خالق»^۲ برهان بیاورند و حال آنکه مفاد آیه ۸۴ سوره اسراء، دلیلی مستقل از مفاد آیه ۱۴ سوره مؤمنون می‌باشد و مناسب بود ایشان در دو تبیین بدان می‌پرداخت.

تبیین سوم

به نظر می‌رسد تمسک به آیه ۱۳۸ سوره بقره برای تبیین مزبور اشکالی ندارد.^۳ اگرچه می‌توان این آیه را به نظام احسن در عالم تشریح نیز مربوط دانست.

۱. استاد جوادی آملی این قاعده را از آیه ۱۱۵ بقره استخراج کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۴۱)

۲. استاد جوادی آملی این قاعده را از آیه ۸۴ سوره اسراء استخراج کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۴۵)

۳. این آیه در دیگر تفاسیر بر نظام احسن دلالت ندارد. در تفسیر **مجمع البیان** «صبغه الله» به معنای تبعیت از اسلام که هماهنگ کننده با فطرت خداگرایانه انسان است آمده است. همچنین برخی دیگر آن را به معنای شریعت و آیینی معنا کرده‌اند که یکی از دستورات آن ختنه کردن است. (ر. ک: طبرسی، ۱۳۷۵: ۱ / ۴۹۷) برخی دیگر آن را به اسلام تفسیر کرده‌اند. از این رو منظور آیه شریفه این است که زمانی که مسیحیت فرزندان خود را غسل تعمید می‌داند؛ آیه شریفه نازل شده است تا به مسلمانان بگوید شبیه به آنها نشده و رنگ اسلام به خود بگیرد. (ر. ک: طبری، ۱۴۲۸: ۱ / ۷۳۲) قرطبی در **تفسیر قرطبی** و سیوطی در **الدر المنثور** نیز آیه مزبور را به دین خدا یعنی اسلام تفسیر کرده‌اند. (همان)

تبیین چهارم

تبیین استاد جوادی کامل می‌باشد اما دو نکته برای تکمیل آن لازم به ذکر است.

۱. به نظر می‌رسد برای اینکه این دیدگاه در زمره تبیین‌های وحیانی قرار بگیرد؛ لازم است که مستندات قرآنی نیز آورده شود.

۲. این‌گونه محتمل است که این تبیین همان تبیین دوم ایشان است و نمی‌توان آن را بیان جدیدی دانست.

تبیین پنجم

این تبیین کامل هست.

روش برهانی در تبیین نظام احسن

مکاتب مختلف فلسفی باور به نظام احسن دارند و درصدد اثبات آن برآمده‌اند. (قدردان قراملکی، ۱۳۹۱: ۶۶ - ۵۹) از طرفی اثبات نظام احسن باید مبتنی و متکی به مبنای خاصی باشد که آن مکتب آن را پذیرفته است. قبل از اشاره باید این نکته روشن شود که هر مکتبی که به وحدت حقیقی، نزدیک‌تر باشد راحت‌تر می‌تواند نظام احسن را اثبات کند و هرچه به کثرت، نزدیک‌تر باشد؛ مسیر دشواری خواهد داشت. در اینجا به دو مکتب اشاره می‌شود:

۱. مکتب اصالت ماهیت

فلاسفه‌ای که باور به اصالت ماهیت دارند (سهروردی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۴ - ۲۲)^۱ به سختی می‌توانند نظام احسن را اثبات کنند زیرا طبق باور آنها، هر ماهیتی از ماهیت دیگر جدا، گسیخته می‌باشد و طبق این مکتب در جهان هستی، چیزی غیر از ماهیات از هم جدا وجود ندارد، بنابراین، اثبات انسجام و هماهنگی برای همه جهان، ممتنع است. (سبزواری، ۱۴۱۷: ۲ / ۶۳) دلیل چنین امتناعی این است که در این مکتب، دید توحیدی، ضعیف و نگرش وحدت و هماهنگی در آن، سطحی می‌باشد، از این رو وحدتی که پایه اصلی در اثبات نظام احسن می‌باشد وجود ندارد.

۲. مکتب اصالت وجود

فلاسفه اصالت وجودی نیز خود سه گروه هستند. گروه اول بر این باورند که وجودات با یکدیگر مابین و

۱. معروفترین کسی که به اصاله ماهیت باور دارد شیخ اشراق است. (سهروردی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۴ - ۲۲) در آدرس مزبور دو دلیل از شیخ اشراق برای اصاله ماهیت آمده است.

ذاتاً جدا می‌باشند.^۱ از این رو هیچ اشتراک ذاتی ندارند و صرفاً در پاره‌ای خصایص انتزاعی خارج لازم، مشترک‌اند. شبیه امتناعی که در اصالت ماهیت مطرح شد برای این گروه از اصالت وجود نیز وجود دارد؛ بنابراین تبیین نظام احسن بسیار دشوار و یا ممتنع می‌باشد.

گروه دوم اعتقاد به وحدت وجود و کثرت موجود دارند؛ (دوانی، ۱۴۰۵: ۷۶۸)^۲ بنابراین دیدگاه نیز نمی‌توان نظام احسن را اثبات کرد زیرا در این مکتب، نه جایگاهی برای ظهور وحدت در کثرت و نه جایی برای رجوع کثرت به وحدت متصور است؛ بلکه به علت عدم سنخیت وجود و ماهیت، آن وجود واحد از این ماهیات کثیر جدا بوده و این کثیر از آن واحد اصلی منقطع می‌باشد؛ زیرا نه وجود واحد در ماهیات کثیر ظهور می‌کند، نه ماهیات کثیر به وجود واحد برمی‌گردند؛ بلکه هر دو به‌طور کامل از یکدیگر بیگانه‌اند. به دیگر سخن در این مکتب، وجود در یک‌طرف قرار دارد و ماهیات در طرف دیگر؛ چنان‌که خود ماهیات نیز هر یک از دیگری جدا شده، در جناح مخصوص به خود قرار دارند.

گروه سوم قائل به وحدت تشکیک هستند. (طباطبایی، ۱۴۲۲ «۲۷ - ۲۴» برخلاف دو گروه قبلی، بر مبنای این گروه یعنی مبنای «وحدت تشکیک» می‌توان نظام احسن را به روش لمی اثبات کرد. در این روش، وجودات مراتب حقیقت تشکیکی یا واقعیت می‌باشند که چهار ویژگی دارند: ۱. وحدت در آنها حقیقی است؛ ۲. کثرت آنها واقعی است؛ ۳. ظهور آن وحدت در کثرت‌ها حقیقی است؛ ۴. رجوع کثرت‌ها به آن وحدت واقعی است. با تأمل در این امور چهارگانه، اثبات نظام احسن برای جهان هستی دشوار نمی‌باشد؛ زیرا زمینه نظم و هماهنگی خلل‌ناپذیر، کاملاً فراهم است. براساس این کتب است که احادیث علوی همچون «هو فی الأشیاء علی غیر ممازجه، خارج منها علی غیر مابینه» (صدوق ۱۴۱۶: ۳۰۶) معنا پیدا می‌کند.

نتیجه آنکه استاد جوادی آملی اعتقاد دارند که مکتبی که منحصراً قدرت اثبات نظام احسن را داراست، همانا فلسفه‌ای است که بر پایه و محور قانون «اصالت وجود» و «تشکیک آن» طراحی شده است. دلیلی این ادعا این است که فقط در این مکتب هرآنچه در عالم هستی یافت می‌شود، وجودی حقیقتی است که هماهنگ و منسجم می‌باشد. موجودی که کثرت و تعدد آن، مطابق و عین انسجام و وحدتش می‌باشد و هرگز غریبه‌ای را به محدوده‌اش ورودی نیست. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۲۹)

برهان لمی نظام احسن براساس اصالت وجود

تتبع در آثار استاد جوادی آملی در روش برهانی در دو تبیین ذیل خلاصه می‌شود:

۱. برای مطالعه درباره این دیدگاه و انتساب آن به مشاء، به کتاب *تعلیق بر شرح منظومه*، اثر استاد حسن‌زاده آملی، ج ۲، ص ۱۲۰ - ۱۱۸ و کتاب *شواهد الربوبیه*، ص ۱۳۵ ملاصدرا مراجعه شود.
۲. در کتب فلسفی و عرفانی این دیدگاه به «نظریه ذوق المتالین» معروف است.

تبیین اول

این تبیین براساس قیاس استثنایی در حوزه «مطلق بودن صفات الهی» بیان شده است. استاد جوادی این‌گونه می‌نویسد:

اگر نظامی برتر از نظام فعلی ممکن باشد و یافت نشود، یا به‌خاطر آن است که مبدأ عالم به آن علم ندارد، یا علم دارد و قدرت ندارد، یا برفرض علم و قدرت مانعی بنام بخل در بین است، که مانع فیض نظام احسن است؛ و چون علم و قدرت و بخشش مبدأ جهان نامحدود است، پس هیچ مانعی در بین نیست، وگرنه کمال علم، قدرت و بخشش مبدأ جهان متناهی بود و با این قیاس استثنایی ثابت می‌شود، که نظامی احسن از نظام موجود ممکن نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۲۰)

به بیان دیگر از آنجاکه اثبات نظام احسن در سه بُعد «نظام فاعلی»، «نظام داخلی» و «نظام غایی» خلاصه می‌شود، اگر این نظام‌های سه‌گانه بهترین نظام‌ها نباشند بنابر همان قیاس استثنایی، محذور محدود و متناهی بودن واجب‌الوجود پیش می‌آید و این محال است.^۱ استاد جوادی آملی این برهان را به برخی از اندیشمندان همچون غزالی،^۲ محی‌الدین عربی (ابن عربی)، بی‌تا: ۱ / ۴ و ۱ / ۲۵۹ و ۱ / ۵۵۲؛ همان: ۲، ۱۰۳ / ۲ و ۳۴۵؛ همان: ۳ / ۱۱ و ۳ / ۱۱۰ و ۳ / ۱۶۶؛ همان، ۴ / ۲۱ و ملاصدرا (صدرالدین الشیرازی، ۱۴۱۰: ۷ / ۱۸۱) نسبت داده است.

تبیین دوم

در این تبیین رابطه نظام آفرینش و خالق، رابطه معلول و علت دانسته شده است. آن‌گاه براساس قانون «علیت و معلولیت»، هر مرتبه‌ای نتیجه و معلول مرتبه بالاتر و درعین‌حال علت ایجادی مرتبه پایین‌تر می‌باشد. این سلسله در نهایت به عالی‌ترین و کامل‌ترین مرتبه‌ای که هیچ حدی از جهت صفات کمالی برای او متصور نیست منتهی می‌شود. این مقام والا مرتبه همان مبدأ جهان آفرینشی است، که موجودی کامل‌تر از او متصور نیست و معلول و نظامی بهتر از معلول و نظام آفریده او تصور نمی‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۲۹)

۱. در اکثر نظام‌های دینی و فلسفی از جمله مسیحیت، خدا دارای صفاتی چون خیرخواهی، علم و قدرت می‌باشد. (ادواردز، ۱۳۷۱: ۳۰ - ۲۵)

۲. با اینکه مکتب غزالی اشعری است و رعایت اصلح را بر خدا لازم نمی‌داند اما اعتقاد به نظام احسن دارد. دیدگاه او درباره عدم وجوب رعایت اصلح بر خدا. (غزالی، ۱۴۰۶: ۱ / ۱۳۴ - ۱۳۳؛ غزالی، ۱۴۲۱: ۲۰۷ - ۲۰۵؛ غزالی، ۱۴۱۴: ۱۰۹ - ۱۰۶؛ و دیدگاه او درباره وجوب نظام احسن (غزالی، ۱۴۰۶: ۴ / ۲۵۷؛ غزالی، ۱۳۶۱: ۱۳۳)

نکته دارای ضرورت این است که نباید در تحلیل و بررسی احسن یا غیر احسن بودن عالم هستی، ملائم و ناملائم بودن برای انسان را محور قرار داد، زیرا نقش انسان در این عرصه جهانی تنها نقش مهره بودن در میان مهره‌های کثیر جهان هستی است. از این رو انسان، امتیازی بر دیگر موجودات ندارد، بنابراین باید برای احسن خواندن جهان هستی، کل نظام و مجموعه‌های آن بررسی شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۲۲)

بررسی و تحلیل

یکی از پرسش‌های اساسی در مسئله نظام احسن، چستی معیار احسن بودن آن است؛ یعنی صلاح و فساد و احسن بودن نظام هستی با توجه به چه چیزی سنجیده می‌شود؟ آیا احسن بودن برای هر مخلوقی ملاک است یا اینکه معیار آن انسان‌های موجود روی زمین هستند؟ به دیگر سخن، انسان را جزئی از موجودات هستی بدانیم یا همه هستی را در راستای تأمین منافع انسان فرض کنیم؟ استاد جوادی به تبع از بسیاری از اندیشمندان، همچون مشاء، (بهمنیار، ۱۳۴۹: ۶۶۱) اشراق (سهروردی، ۱۳۸۰: ۱ / ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۶۷)^۱ و حکمت متعالیه (صدرالدین الشیرازی، ۱۳۶۶: ۴۰۱) معتقدند که نباید انسان را محور قرار داد و هرچه به حال او ملایم هست را خیر و غیرملایم را شر دانست. نقش انسان در حقیقت، مهره‌ای از مهره‌های جهان هستی است که هیچ امتیازی از این جهت نسبت به دیگران ندارد.

تحلیل جریان خیر و شر اگر انسان‌مدارانه باشد یعنی هرچه برای انسان یا قوه‌ای از قوای ادراکی یا تحریکی وی ناهماهنگ بود، شر محسوب شود، گرچه برای بسیاری از موجودهای زنده یا غیرزنده هماهنگ بوده و خیر باشد، آنگاه امور وجودی فراوانی شر خواهند بود. ولی اگر معیار ارزیابی خیر و شر، کل نظام هستی باشد بدون آنکه خصوص انسان محور بحث قرار گیرد، آنگاه می‌توان گفت که بسیاری از اموری که برای انسان شر محسوب می‌گردد، برای موجودهای دیگر خیر می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱ ج: ۶۷)

به نظر می‌رسد تبیین برهانی استاد جوادی از مسئله نظام، نیاز به توضیح بیشتری دارد.

اولاً: اگر به آیاتی که خلقت آسمان‌ها و زمین را برای انسان می‌دانند (بقره / ۲۹: حج / ۶۵ لقمان / ۲۰، جاثیه / ۱۳، ابراهیم / ۳۳) دقت شود، این ادعا روشن می‌شود. براساس آیات مزبور، خداوند آسمان‌ها و زمین را برای انسان و در خدمت و مسخر او خلق کرده است. در آیه ۲۹ سوره بقره آمده است: «او خدایی

۱. شیخ اشراق چنین می‌نویسد: «وإذا نظرتَ إلى النظام الكلي فلا شر». نیز می‌گوید که در زمینه شر در عالم، کسی به درازا سخن می‌گوید که می‌پندارد جهان خلق نشد، مگر برای انسان و محور خیر و شر انسان است. (سهروردی، ۱۳۸۰: ۱ / ۴۶۷)

است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد^۱ و خداوند در آیه ۳۰ می‌فرماید: «وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت»^۲.

مجموع این دو آیه این را می‌رساند که همه آنچه در زمین است برای انسان آفریده شده است و خلقت موجودات زمین و کیفیت نظم و ترتیب آن به‌گونه‌ای است که در خدمت انسان و اهداف او قرار دارد. طبق این دو آیه، محور اصلح بودن در نظام احسن انسان خواهد بود و به نظر می‌رسد، دیدگاه استاد جوادی که انسان را جزئی از هستی تلقی می‌کند نیاز به تکمله دارد، زیرا این انسان مغز و استوانه اصلی هستی شمرده شده و اگر موجودی بنام انسان آفریده نمی‌شد اصل خلقت آسمان‌ها و زمین نیز منتفی بود. البته برای هر مسلمانی روشن است که هدف اصلی خلقت زمین و موجودات آن، در راستای زندگی صرفاً مادی نیست و هدف مقدسی چون رسیدن به قرب الهی در نهان وجود دارد؛ یعنی انسان به کمک استفاده و بهره‌گیری از موجودات عالم، باید در مسیر تعالی قدم بردارد و توقف در حیات حیوانی و مادی هرگز مورد تأیید قرآن نخواهد بود.

نتیجه مهمی که از آیات گرفته می‌شود این است که نمی‌توان انسان را جزئی از خلقت دانست و یا هریک از انسان و دیگر موجودات را مستقل از هم فرض کرد و صرفاً رابطه انتفاع میان آنها برقرار ساخت (پورروستایی، ۱۳۹۲: ۱۷) و مصلحت و مفاسد بودن اشیا برای او را لحاظ نکرد بلکه معیار اصلی و مسیر نهایی خلقت موجودات عالم، انسانی است که خلیفه خداست؛ بنابراین ملاحظه منافع او در خوانش خیر و شر بودن چیزی نقش کلیدی دارد.

ثانیاً: استاد جوادی در تبیین اول برهانی نظام احسن، با قیاسی استثنایی نظام احسن را اثبات کردند. به باور او، اگر نظامی برتر از نظام موجود ممکن باشد و یافت نشود، ناقض علم یا قدرت و یا بخل الهی است. از آنجاکه این صفات سه‌گانه در جای خود اثبات شده‌اند پس هیچ مانعی در خلق نظام احسن وجود ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۲۱)

استاد جوادی موانع آفرینش نظام احسن را در سه صفت خلاصه کرده است و حال آنکه احتمال وجود داشتن مانع بیرونی را نفی نکرده است؛ یعنی برای یقینی شدن برهان مزبور، ضروری به نظر می‌رسد که مقدمه دیگری نیز اضافه شود به این مضمون که عدم وجود نظام احسن می‌تواند به علت وجود مانع بیرونی باشد. (قدردان قراملکی، ۱۳۹۱: ۶۴) آنگاه با تقسیم عقلی آن مانع بیرونی را به واجب‌الوجود و ممکن‌الوجود تقسیم کرده و هریک را چنین نفی کند. احتمال اینکه مانع بیرونی واجب‌الوجود باشد منتفی

۱. هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا.

۲. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً.

است زیرا فرض اولیه این است که تنها یک واجب‌الوجود داریم و توحید الهی یکی از پیش‌نیازها در مسئله نظام احسن خواهد بود. احتمال دوم که مانع بیرونی ممکن‌الوجود باشد نیز منتفی است زیرا قدرت مطلقه خدا کافی است تا احتمال هرگونه مانع بیرونی که از جنس مخلوقات باشد را اثبات می‌کند، به دیگر سخن موجود ممکن قدرت جلوه‌نمایی در برابر اراده و فعل موجود واجب را ندارد.

همچنین استاد جوادی در ادامه تبیین اول آورده است «اثبات نظام احسن در سه بعد نظام فاعلی، نظام داخلی و نظام غایی خلاصه می‌شود، اگر این نظام‌های سه‌گانه بهترین نظام‌ها نباشند بنابر همان قیاس استثنایی، محذور محدود و متناهی بودن واجب‌الوجود پیش می‌آید و این محال است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۳۰) اینگونه فهمیده می‌شود این تبیین، شامل بعد زیباشناختی نخواهد شد و تنها به سه بعد فاعلی، غایی و داخلی پرداخته است و حال آنکه چیدمان فلسفی برای نظام احسن بر اساس نظم احسن زیباشناختی سبب می‌شود تا تمام ابعاد مسئله کامل‌تر شود.

روش عرفانی در تبیین نظام احسن

عرفا بر این باور هستند که واحد شخصی، حقیقت هستی است نه واحد تشکیکی. از این رو هیچ‌گونه کثرتی برای اصل حقیقت و واقعیت، وجود ندارد؛ (آملی، ۱۳۵۳: ۱ / ۹۱) نه کثرتی که به سبب تباین، هیچ‌وقت به وحدت واقعی برگشت نمی‌کند و نه کثرتی که علی‌رغم داشتن ویژگی تشکیک، جنبه وحدت و جامع داشته و به آن وحدت برگشت نماید. از این رو تنها کثرت مورد پذیرش در عرفان، کثرت تجلیات و ظهوراتی است، که مظهر و سایه آن حقیقت اصلی‌اند نه اینکه خود بهره‌ای از حقیقت برده باشند.

در عرفان، ذات الهی دارای سه مرحله تجلی می‌باشد. تجلی «احدیت»، تجلی «احدیت در واحدیت» و تجلی «واحدیت در ربوبیت». در مرحله اول، تجلی ذات برای ذات است که ذات احد برای خودش ظهور دارد و هیچ‌گونه اسم و رسمی را قبول نمی‌کند. ویژگی این تجلی، غیب مطلق بودن است و چیزی در این جلوه قدرت تجلی ندارد. در تجلی احدیت در واحدیت، ذات الهی، ظهوری اسمائی پیدا کرده و صور علمیه موجودات، تعیین پیدا می‌کنند. در مرحله سوم ذات الهی شهود پیدا کرده و سخن از مقام فعلی ذات است. ویژگی این نوع تجلی، تعیین اعیان خارجی است و هرچه از مرحله نخست به پایین برود، از مقام علم به مقام عین تنزل پیدا می‌کند.

استاد جوادی به دو بیان کلی و مصداقی به تبیین عرفانی نظام احسن پرداخته است.

بیان کلی

در تبیین کلی نظام احسن عرفانی به روش لمی، عالم هستی، تجلی ملکوت و عالم ملکوت مظهر جبروت

تحلیل و بررسی روش‌های وحیانی، برهانی و عرفانی در اثبات مسئله نظام احسن، ... □ ۱۷۳

خداوند می‌باشد. این مجال سه‌گانه با مقام‌های احدیت و واحدیت و ربوبیت الهی برابری می‌کند که مطابق با تعینات ذات، صفت و فعل خواهند بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۰۶) این متد خاص، توانایی اثبات نظام احسن را دارد، زیرا در این روش، هرچه در جهان هستی پیدا شود، حقیقتی است منسجم و هماهنگ که تعدد و کثرتش، عین انسجام و وحدت او می‌باشد و هرگز جز خالق هستی را به محدوده این حقیقت واحد و هماهنگ ورودی نیست تا سخن از غیر احسن بودن آن غیر باشد.

به نزد آن که جاننش در تجلی است همه عالم کتاب حق تعالی است.

به دیگر سخن از آنجاکه اسمای حسناى ذات الهی، در عالم هستی تجلی می‌کنند و در هر مظهري به اندازه خاص و مشخص شده و با حفظ ترتیبی خاص همچون حلقه‌های عدد (جامی، ۱۳۵۶: ۶۰) هماهنگ و منسجم ظهور می‌کنند؛ جهانی غیر از نظام احسن، متصور نخواهد بود؛ بنابراین هرچه به اسم عالم هستی معرفی شود، نظام احسن می‌باشد، چراکه در قانون «مظهر اسمای حسنی»، غیر از نظام احسن فرضی متصور نیست. چون نظامی که آئینه جمال زیبایی محض است محال است نمایشگر نازیبا باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۱۷)

بیان مصداقی (اسمائی)

استاد جوادی در روش لمی به کمک صفت «رحمانیت» خداوند، احسن بودن نظام را نتیجه گرفته است. تبیین این استدلال بدین شکل است:

«رحمان بودن» یکی از صفات مطلق خداست. این صفت شمولیت دارد یعنی تمام موجودات و اشیا جهان را فراگرفته و چیزی که از قلمرو آن بیرون باشد یافت نمی‌شود. بدین سبب هر شی‌ای به اندازه ظرفیت خود، مظهر رحمت خواهد بود؛ و اگر برخی از موجودات به نسبت به بعضی دیگر در زمره رحمت قرار نگیرند، ایرادی به شمولیت الهی وارد نمی‌شود زیرا این اشیا، نسبت به ذات خود مصداق رحمت هستند؛ بنابراین صفت «غضب» در عالم، بالمقایسه می‌باشد و موجودی که ذاتاً و به نسبت به خود یا نسبت به همه اشیا عالم، مصداق صفت «غضب» باشد؛ وجود ندارد.

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

(حافظ شیرازی، ۱۳۶۵: ۱۴۲)

به باور استاد جوادی فقط رحمت مقید الهی است که در مقابل او قهر مقید و غضب مقید وجود دارد، اما رحمت مطلق هرگز مقابل ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳ / ۶۱۰) زیرا تمام موجودات تحت امر حقانیت و

رحمت مطلق الهی قرار دارند و آن حقانیت و رحمت مطلق، هیچ‌گاه نقطه مقابلی به نام خطای مطلق و قهر محض نخواهد داشت، از این جهت، عارف که ایدئولوژی او براساس اسمای حسنا حق سازماندهی شده و باور به رحمت مطلق حق دارد، همه جهان را جلوه‌گاه گوناگون رحمت می‌بیند و هر چیزی را مظهر رحمت خاص می‌داند؛ و اگر خطا یا نقصی در جهان آفرینش مشاهده کند و یا غضب و قهری ببیند، آن را غضب نسبی و قهر بالمقایسه تلقی می‌کند؛ زیرا هندسه فکری عارف بر پایه رحمت مطلق، محدوده خاصی را ترسیم می‌کند که هر یک ذاتاً حقانیت، صواب و رحمت می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۲۲ - ۲۲۱)

بررسی و تحلیل

تبیین‌های استاد جوادی در روش عرفانی در مسئله نظام احسن، صحیح می‌باشد. بیان اول ایشان براساس مبنای وحدت وجود عرفا، قدرت تحقق نظام احسن را دارد؛ زیرا طبق این مبنا هیچ‌گونه کثرت یا اختلافی در اصل حقیقت وجود، راه نمی‌یابد و کثرتی که عارض بر هستی می‌شود بتمامه معدوم بالذات هستند (ترکه اصفهانی، ۱۳۶۹: ۱۰۸) و اختلاف‌ها متعلق به سایه‌ها و مظاهر آن حقیقت اصیل واحد می‌باشد (قیصری، ۱۳۷۵: ۵) و در عالم هستی تنها وجود متصور خداست.

این بیان عرفا در آیات کریمه مشهود و برگرفته از روایات اهل بیت می‌باشد. همان‌طور که در قرآن آمده است: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» (حدید / ۳) از ظاهر آیه کریمه چنین استفاده می‌شود که این صفات مزبور در خداوند انحصار دارد و فقط خداوند است که ظاهر است؛ چنان‌که فقط اوست که باطن است. یعنی ظاهری غیر از خدا وجود ندارد؛ همان‌طور که باطنی جز او نخواهد بود. از این رو فقط خداست که آغاز محض است؛ و آخر و انجام صرف نیز فقط اوست، پس در هستی‌شناسی عرفانی اول و ابتدائی غیر از خدا نیست تا سخن از شر بودن آن شود. چنان‌که انجام و آخری جز او نخواهد بود و همه هستی از خدا پر شده است.

همچنین امام علی علیه السلام در خطبه ۶۵ نهج البلاغه؛ بخش اول: شناخت خداوند، فرموده است: «و جز او، هر آشکاری در نهان نیست و جز او، هر نهانی آشکار نباشد»^۱ (سید رضی، ۱۴۱۵: خطبه ۶۵) که اشاره به این بیان دارد. همچنین در خطبه ۱۹۵ نهج البلاغه؛ بخش دوم: شناخت صفات و افعال خدا، فرموده است: «پنهان بودنش، پرده آشکار شدنش نیست و آشکار بودنش او را از نهان بودنش جدا نکند، نزدیک است و دور از دسترس. بالاست و با همه نزدیک. آشکار است و پنهان است، پنهان است و آشکار است»^۲.

۱. و کلّ ظاهر غیره باطن و کلّ باطن غیره غیرظاهر.

۲. و لا یُجَنِّهُ البَطْنُ عن الظُّهُورِ و لا یَقْطَعُهُ الظُّهُورُ عن البَطْنِ، قَرَبَ فَنَأَى و عَلا فَنَدَا و ظَهَرَ فَبَطَنَ و بَطَنَ فَعَلَنَ و دَانَ و لَمْ یُدَنَّ.

(سید رضی، ۱۴۱۵: خطبه ۱۹۵) زمانی که کمال محض که در واقع همان حقیقت واحد شخصی است ظهور کند، دیگر جایی برای شر و کاستی و نقص و عیب باقی نمی‌گذارد، مگر در اثر مقایسه بعضی از مظاهر به نسبت به بعضی دیگر و اگر خصوصیات مظاهر نمی‌بود، چیزی جز ذات خداوند مکشوف نبود.

نتیجه

در جمع‌بندی می‌توان گفت استاد جوادی آملی مسئله نظام احسن را به سه روش «وحیانی»، «برهانی» و «عرفانی» بیان کرده است.

استاد جوادی در روش «وحیانی» به پنج تبیین اشاره کرده است. بعد از تحلیل و بررسی تبیین‌های مزبور؛ این‌گونه نتیجه گرفته می‌شود که تبیین دوم به دلیل «اعم بودن دلیل از مدعا»، فاقد اعتبار است؛ اما دیگر تبیین‌ها، توانایی اثبات نظام احسن را دارند.

استاد جوادی در روش «برهانی»، مکاتب مختلف فلسفی را در دو تبیین مورد بحث قرار داده‌اند. از بررسی و تحلیل تبیین‌های مزبور، چنین نتیجه گرفته می‌شود که تنها می‌توان بر پایه مکتب «اصالت وجود»، برهانی لمی برای مسئله نظام احسن طراحی کرد. همچنین استفاده ایشان از دو قانون «مطلق بودن صفات الهی» و «علیت و معلولیت»، در اثبات مسئله نظام احسن صحیح می‌باشد.

اندیشه استاد جوادی آملی در حوزه «عرفان»، به دو روش «کلی» و «مصدیقی اسمائی» مورد بررسی قرار گرفت. در روش «کلی»، آنچه در جهان آفرینش یافت می‌شود، حقیقتی است منسجم و هماهنگ که تعدد آن عین وحدت او می‌باشد و همه اشیا تجلیات خدا هستند؛ پس غیری نیست تا سخن از غیر احسن بودن آن شود. ایشان در روش «مصدیقی» به کمک صفت رحمانیت خداوند، نظام احسن را اثبات کردند. بعد از تحلیل روش مزبور، به نظر رسید که نیاز به تکمله‌ای نباشد. در مجموع این نتیجه حاصل شد که روش‌های سه‌گانه استاد جوادی آملی در مسئله نظام احسن مستدل و معقول می‌باشد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه، سید رضی، ۱۴۱۵ ق، تحقیق صبحی صالح، نشر اسوه.

۱. آشتیانی، میرزا مهدی، ۱۳۶۰، اساس التوحید، تهران، مولی.

۲. آلوسی، شهاب‌الدین محمود بن عبدالله، ۱۴۱۴ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع

المثنائی، تصحیح محمد العرب، بیروت، دار الفکر.

۳. آملی، سید حیدر، ۱۳۵۳، *نصّ النصوص*، تحقیق هنری کربن و عثمان اسماعیل یحیی، انستیتو ایران و فرانسه.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۹۲ ق، *التعلیقات*، تحقیق عبدالرحمان بدوی، القاہرہ، الہیئۃ المصریہ العامہ للکتاب.
۵. ابن عربی، محی الدین، بی تا، *الفتوحات المکیہ*، بیروت، دار صادر.
۶. ادواردز، پل، ۱۳۷۱، *براهین اثبات وجود خدا در فلسفہ غرب*، ترجمہ محمد محمدرضایی و علیرضا جمالی نسب، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۷. اسپینوزا، باروخ، ۱۳۶۴، اخلاق، ترجمہ محسن جهانگیری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۸. افلاطون، ۱۳۷۴، *جمهور*، ترجمہ فواد روحانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. بحرانی، سید ہاشم بن سلیمان الحسینی، ۱۳۷۴، *البرہان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسہ البعثہ.
۱۰. بہمنیار، ابن مرزبان، ۱۳۴۹ ش، *التحصیل*، تصحیح مرتضی مطہری، تهران، دانشکدہ الہیات دانشگاه.
۱۱. پلاتینگا، الوین، ۱۳۷۶، *خدا، اختیار و شر*، ترجمہ محمد سعیدی مہر، قم، طہ.
۱۲. پورروستایی، جواد، ۱۳۹۲، *رہیافتی قرآنی بہ نظام احسن*، قم، پژوهشکدہ حوزہ و دانشگاه.
۱۳. ترکہ اصفہانی، صائن الدین، ۱۳۶۰، *التمہید فی شرح قواعد التوحید*، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، با مقدمہ سید حسین نصر، تهران، انجمن فلسفہ ایران، ج ۲.
۱۴. جامی، عبدالرحمن، ۱۳۵۶، *نقد النصوص (فی شرح نقش الفصوص)*، ابن عربی، تهران، انجمن فلسفہ ایران.
۱۵. جبرئیلی، محمد صفر، ۱۳۸۵، *مسئلہ شر و راز تفاوتہا*، تهران، کانون اندیشہ جوان.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، *۵۵ مقالہ پیرامون مبدأ و معاد*، قم، الزہرا.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *سرچشمہ اندیشہ*، قم، اسراء، ج ۳.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تبیین براہین اثبات خدا*، قم، اسراء، ج ۵.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱ الف، *اسلام و محیط زیست*، نرم افزار کتابخانہ دیجیتال (مجموعہ آثار آیت اللہ جوادی آملی)، قم.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱ ب، *تسنیم*، نرم افزار کتابخانہ دیجیتال (مجموعہ آثار آیت اللہ جوادی آملی)، قم.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱ ج، *فلسفہ حقوق بشر*، نرم افزار کتابخانہ دیجیتال (مجموعہ آثار آیت اللہ جوادی آملی)، قم.

۲۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵، *توحید در قرآن*، قم، اسراء.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۸، سایت اسراء، دسترسی: <https://esra.ir/web/javadi>
۲۴. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، ۱۳۶۵، *دیوان غزلیات حافظ*، به کوشش خلیل خطیب رهبر.
۲۵. دوانی، محمد بن اسعد، ۱۴۰۵، *الرسائل المختاره*، تحقیق احمد تویسرکانی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین.
۲۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. راسل، برتراند، ۱۳۷۳، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه نجف دریابندری، تهران، کتاب پرواز.
۲۸. رضایی، مهین، ۱۳۸۰، *تئودیه و عدل الهی (مقایسه‌ای میان آراء لایب نیتس و استاد مطهری)*، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
۳۰. سبزواری، ملاهادی، ۱۴۱۷ ق، *شرح المنظومه*، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، تحقیق مسعود طالبی، قم، نشر ناب، ط. ۳.
۳۱. سهروردی، شهاب‌الدین، شیخ اشراق، ۱۳۸۰، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق (مطارحات)*، هانزی کرین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
۳۲. سیوطی، حافظ جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۳۹۴، *الدر المنثور فی التفسیر الماثور*، نرم‌افزار «جامع التفاسیر نور».
۳۳. صدرالدین الشیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۶، *شرح اصول الکافی*، تصحیح محمد خواجه‌ای، تحقیق علی عابدی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۴. صدرالدین الشیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الرابعه.
۳۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه القمی، ۱۴۱۶ ق، *التوحید*، محقق حسین هاشمی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (جامعه مدرسین)، ط. ۲.
۳۶. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان.
۳۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۲۲، *نهایة الحکمه*، قم، نشر اسلامی، چ ۱۶.
۳۸. طبرسی، امین‌الاسلام فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.

۳۹. طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، ۱۳۷۵، **مجمع البیان**، ترجمه علی کرمی، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی.
۴۰. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، ۱۴۲۸، **جامع البیان عن تأویل القرآن**، مصر، دار السلام.
۴۱. طوسی، شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن، ۱۳۷۶ - ۱۳۸۲ ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۴۲. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۹۴، **اطیب البیان**، نرم افزار «جامع التفاسیر نور».
۴۳. غزالی، ابو حامد محمد، ۱۳۶۱، **کیمیای سعادت**، با مقدمه محمد عباسی، تهران، انتشارات طلوع و زرین.
۴۴. غزالی، ابو حامد محمد، ۱۴۰۶ ق، **احیاء علوم الدین**، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۵. غزالی، ابو حامد محمد، ۱۴۱۴ ق، **القسطاس المستقیم**، تحقیق احمد شوحان، دمشق، مکتبه التراث.
۴۶. غزالی، ابو حامد محمد، ۱۴۲۱ ق، **الاقتصاد فی الاعتقاد**، تحقیق علی بوملحم، بیروت، دار و مکتب الهلال.
۴۷. فارابی، ابونصر، ۱۴۰۸، **التعلیقات**، تحقیق جعفر آل یاسین، بیروت، دار المناهل.
۴۸. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۸ ق، **الاصفی**، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۹. قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۸ ش - ۱۳۹۱، **پاسخ به شبهات کلامی**، دفتر ششم: عدل الهی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۰. قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۸، **خدا و مسئله شر**، قم، بوستان کتاب، ج ۳.
۵۱. قیصری، داوود بن محمود، ۱۳۷۵، **شرح فصوص الحکم**، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تعلیقه محمدرضا قمشه‌ای، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۲. کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۰، **تاریخ فلسفه**، ترجمه غلامرضا اعوانی، تهران، انتشارات سروش و علمی و فرهنگی.
۵۳. محمدی، مسلم، ۱۳۸۹، «حل معمای شر در آثار استاد جوادی آملی»، **حکمت اسراء**، ش ۳، ص ۳۴ - ۱۰۹، قم.
۵۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، **عدل الهی**، تهران، صدرا، ج ۹.
۵۵. میرداماد، محمدباقر، ۱۳۵۶، **القبسات**، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکه گیل.
۵۶. وال، ژال، ۱۳۷۰، **ما بعد الطبیعه**، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.